

دانش و پژوهش در روان‌شناسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
شماره هفدهم - پاییز ۱۳۸۲
صص ۱۱۸-۱۰۱

بررسی رابطه بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

احسان کاظمی^۱ - ابوالقاسم نوری^۲ - آذرقلی زاده^۳

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر اصفهان و با روش تحقیق همبستگی انجام شده است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش از مجموع ۱۹۱ نفر کارکنان این اداره کل، تعداد ۱۱۸ نفر به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند که از پرسشنامه‌های خودپنداره راجرز، زیرمقیاس سازگاری اجتماعی پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا و پرسشنامه جمعیت‌شناختی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده گردید. ضریب اعتبار پرسشنامه خود پنداره راجرز در تحقیقات انجام شده از ۰/۸۲ تا ۰/۸۹ در نوسان بوده است. همچنین براساس مطالعه مقدماتی، ضریب اعتبار پرسشنامه سازگاری اجتماعی از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد. از دو سطح آمار توصیفی و

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی.

۲- دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.

۳- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

استنباطی به ویژه ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها استفاده شد فرضیه‌ها:

- ۱- میان خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد.
- ۲- میان سابقه کار، میزان تحصیلات و سن کارکنان با خودپنداره آنان رابطه وجود دارد.
- ۳- میان سابقه کار، میزان تحصیلات و سن کارکنان با سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد.

براساس یافته‌های آماری، میان خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه معناداری ($P \leq 0/05$)، مشاهده شد، میان خودپنداره و تحصیلات و سازگاری اجتماعی با سابقه کار و سن هر سه مورد رابطه معناداری ($P \leq 0/05$) به دست آمد. ولی میان خودپنداره و سن و سابقه کار و سازگاری اجتماعی با میزان تحصیلات رابطه معناداری در سطح $P \leq 0/05$ یافت نشد.

کلید واژه‌ها: خودپنداره، سازگاری اجتماعی.

مقدمه

مفهوم «خود»^۱ و مطالعه آن در طول تاریخ بشری همواره مورد توجه انسان بوده و فیلسوفان، متفکران و شاعران در این باره بسیار اندیشیده و نگاشته‌اند.

امروزه توجه به خود و «خودپنداره»^۲ یکی از موضوعات مهم قابل بحث در روان‌شناسی است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تصور و پندار شخص نسبت به خود تا حدود زیادی جهت‌دهنده و تعیین‌کننده رفتار وی می‌باشد. به تعبیر دیگر، میدان فعالیت ما را در زندگی خودپنداره ما مشخص می‌کند.

بدون تردید مطالعه و بررسی هیچ یک از ابعاد وجودی انسان بدون مطالعه شخصیت وی امکان‌پذیر نیست و برای مطالعه شخصیت نیز توجه به مفهوم خود که هسته اصلی شخصیت محسوب می‌شود ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. رفتاری که هر فرد در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد به طور مستقیم تحت تأثیر تصور و پنداری است که وی از کل وجود خود دارد. وقتی فرد نسبت به کل وجود خود اعم از ویژگی‌های ظاهری،

تواناییهای ذهنی و جسمانی، ادراک و تصور منفی داشته باشد، این برداشت در مجموعه اعمال و رفتارش منعکس می‌گردد و باعث می‌شود در تعامل با دیگران یا در مواجهه با موقعیتهای محروم‌کننده نتواند سازگاری لازم را از خود نشان دهد (احمدی ۱۳۷۶).

از طرف دیگر، زندگی در یک جامعه انسانی که براساس مجموعه‌ای از چهارچوبهای ارزشی مشخص و انتظارات و توقعات خاص شکل گرفته است، مستلزم رسیدن به درجه‌ای از سازگاری است. بدون داشتن سازگاری، بسیاری از نیازهای اساسی انسان تأمین نمی‌گردد. افزون بر آن، به علت عدم امکان انطباق با شرایط و موقعیتهای مختلف، فرد از سوی جامعه به شدت طرد می‌گردد و تعاملات اجتماعی وی کاهش می‌یابد. از آنجا که برقراری روابط صمیمانه با دیگران، به‌خصوص در دوران حساس کودکی و نوجوانی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد خودپنداره مثبت است، می‌توان گفت فردی که از روابط اجتماعی گسترده و مطلوبی برخوردار نیست، خودپنداره‌اش نیز به‌طور مثبت شکل نمی‌گیرد و باعث می‌شود در موقعیتهای مختلف رفتارهای بی‌ثبات و ناهنجاری از خود نشان دهد. برعکس، وقتی فرد تصور و ادراک مثبتی از خود دارد، احساس عزت‌نفس و ارزشمندی بیشتری می‌کند و چون از خودپنداره مثبتی برخوردار است رفتارهای وی نیز در جهت تأیید ادراک خود، شکل گرفته و در نهایت موجب سازگاری اجتماعی وی می‌گردد.

گوردون و گرین^۱ (۱۹۶۸) با بازنگری نتایج ۲۵۰۰ مطالعه در مورد خودپنداره به این نتیجه رسیدند که این مفهوم ارتباط معناداری با بسیاری از جنبه‌های مهم رفتار انسان از جمله سازگاری عمومی دارد (به نقل از گرین، ۱۹۸۸). هاماجاک^۲ (۱۹۸۸)، یکی از ویژگیهای مهم کسانی که خودپنداره مثبت دارند را سازگاری اجتماعی و توانایی برقراری روابط اجتماعی مطلوب می‌داند (به نقل از گری، ۱۹۹۴). همچنین شعاری‌نژاد (۱۳۷۳) بر این باور است که موفقیت افراد بزرگسال در سازش با مسائل زندگی، متأثر از خودپنداره آنان می‌باشد. در این زمینه نوایی‌نژاد (۱۳۷۰) معتقد است که کلی‌ترین ویژگی فرد سازگار این است که نسبت به خود واقع‌بین است.

شفیع‌آبادی و ولی‌نوری (۱۳۷۳)، با انجام تحقیقی به بررسی رابطه میان احساس بیگانگی و خودپنداره پرداختند. آزمودنی‌های این تحقیق که ۱۰۳ نفر از دانشجویان زن

رشته زبان انگلیسی بودند به سؤالات مقیاس بیگانگی دین^۱ (۱۹۶۱) و آزمون خودپنداره راجرز پاسخ دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین احساس بیگانگی و خودپنداره آزمودنی‌ها رابطه معناداری وجود دارد. به سخن دیگر، افزایش احساس بیگانگی با خودپنداره ضعیف همراه است.

ترقی‌جاه (۱۳۷۵)، در پژوهش خود که به بررسی ارتباط بین خودپنداره با رفتار اجتماعی ۲۹۰ دانش‌آموز (۱۴۰ دختر و ۱۵۰ پسر) مقطع راهنمایی شهر تهران پرداخته، نتیجه گرفته که بین خودپنداره واقعی و رفتار اجتماعی آزمودنی‌ها همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. شوئیتزر^۲ (۱۹۹۲) طی پژوهشی درباره ارتباط مفهوم خود و سازگاری در نوجوانان به این نتیجه دست یافت که آن دسته از نوجوانانی که دارای اختلال در سازگاری بودند نسبت به نوجوانانی که سازگاری اجتماعی بالایی داشتند نمرات مفهوم خود پایین‌تری به دست آوردند (به نقل از ترقی‌جاه، ۱۳۵۷).

یافته‌های مطالعه وی نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین مثبت‌انگاری خود با میزان مقبولیت اجتماعی و نیز سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان در مدرسه وجود دارد. هدف کلی این تحقیق، بررسی و تعیین میزان رابطه میان خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر اصفهان بود. همچنین اهداف فرعی تحقیق حاضر، عبارت از تعیین میزان رابطه میان خودپنداره با سه متغیر سابقه کار، میزان تحصیلات و سن کارکنان و نیز تعیین میزان رابطه میان سازگاری اجتماعی با سه متغیر مزبور بود. با توجه به اهداف پژوهش فرضیه اصلی به این نحو مطرح گردید که بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد.

روش

متغیرهای اصلی این پژوهش خودپنداره و سازگاری اجتماعی است که امکان دستکاری و یا تغییر آنها وجود ندارد و از قبل به وقوع پیوسته است. بنابراین به منظور بررسی رابطه آنها از روش همبستگی استفاده گردیده است.

جامعه آماری شامل ۱۹۱ نفر از کارکنان زن و مرد شاغل در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر اصفهان در تابستان ۱۳۷۹ بوده است.

از ۱۹۱ نفر کارکنان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر اصفهان ۳۷ نفر از کارکنان هنرستانهای تحت پوشش به دلیل تعطیل بودن در تابستان در دسترس نبوده‌اند. بنابراین ۱۵۴ نفر به عنوان گروه نمونه در دسترس، گروه نمونه این پژوهش را تشکیل داده‌اند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش از سه ابزار زیر استفاده شده است:

۱- آزمون خودپنداره راجرز: این آزمون از دو فرم «الف» و «ب» تشکیل شده است. فرم «الف» نگرش فرد را نسبت به «خود واقعی» و فرم «ب» نگرش فرد را نسبت به «خود ایده‌آل» مورد سنجش قرار می‌دهد.

آزمون راجرز شامل ۲۵ صفت شخصیتی است که در طرف مقابل، متضاد آن صفت عنوان شده است. فاصله بین دو صفت متضاد، با یک مقیاس ۷ درجه‌ای نمره‌گذاری شده است. آزمودنی با توجه به نگرشی که درباره هر یک از صفات مطرح شده در این سیاهه درباره خود دارد با گذاشتن علامت ضربدر در یکی از نمره‌ها ویژگیهای شخصیتی خود را برحسب دستورالعمل فرم «الف» و «ب» ارزیابی می‌کند. نمره ۷ همیشه بالاترین نمره نیست، زیرا صفات شخصیتی مورد استفاده در این پرسشنامه، به صورت پراکنده قرار گرفته‌اند (به نقل از تقی‌زاده، ۱۳۷۵). ضریب اعتبار پرسشنامه در تحقیقات انجام شده از ۸۲ تا ۸۹ درصد در نوسان است.

۲- پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا^۱ (زیرمقیاس سازگاری اجتماعی): این آزمون برای سنجش دو بُعد از سازگاریهای کلی زندگی یعنی سازگاری روانی و اجتماعی تهیه شده است. در پژوهش حاضر از زیرمقیاس سازگاری اجتماعی این پرسشنامه که شامل ۹۰ سؤال است استفاده شد. البته تعداد ۱۵ سؤال مربوط به روابط مدرسه‌ای که تناسبی با شرایط شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر نداشت از پرسشنامه حذف شد و پس از مشورت با استادان راهنما و مشاور تعداد ۵ سؤال حذف و در نهایت ۷۰ سؤال در پرسشنامه سازگاری اجتماعی گنجانده شد. ضریب اعتبار این پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد.

۳- پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: شامل چهار سؤال درباره جنسیت، سابقه کار، میزان تحصیلات و سن بوده که پژوهشگر تدوین کرده است.

روش تحلیل داده‌ها

متناسب با موضوع مورد پژوهش، از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده و از شاخص‌های آمار توصیفی نظیر: میانگین، انحراف معیار، واریانس، درصد فراوانی و از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و آزمون t به منظور بررسی فرضیه‌ها استفاده گردید.

نتایج

فرضیه اصلی: بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه معنادار وجود دارد. این رابطه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- رابطه بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی افراد مورد مطالعه

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجذور ضریب	رابطه خالص	t	سطح معناداری
خودپنداره	سازگاری اجتماعی	-۰/۴۱	۰/۱۶۸	۰/۱۶۸	-۴/۸۴	$P \leq ۰/۰۵$

جدول ۱ نشان می‌دهد، میان خودپنداره و سازگاری اجتماعی، رابطه منفی ($-۰/۴۱$) وجود دارد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار می‌باشد، چرا که t محاسبه شده برابر با $-۴/۸۴$ بوده که از t جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($۱/۹۶$) بزرگتر است. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. این ضریب واریانس مشترک نام دارد و بدین معناست که در حدود ۱۷ درصد تفاوت‌های فردی میان نمرات خودپنداره و سازگاری اجتماعی مشترک بوده^۱ و بنابراین رابطه مشترک در سطح اطمینان ($P \leq ۰/۰۵$) معنادار می‌باشد.

۱- مفهوم ۱۷ درصد واریانس مشترک بدین معناست که چنانچه نمره خودپنداره فرد به میزان X افزایش یا کاهش یابد، به میزان ۱۷ درصد X در نمره سازگاری تأثیر همسو می‌گذارد.

فرضیه فرعی ۱: بین خود پنداره و سابقه کار کارکنان رابطه وجود دارد. این رابطه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- رابطه بین خودپنداره و سابقه کار افراد مورد مطالعه

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	رابطه خالص t	سطح معناداری
خودپنداره	سابقه کار	-۰/۰۸	۰/۰۰۶۴	۰/۰۰۶۴	$P \geq ۰/۰۵$

جدول ۲ نشان می دهد که میان خودپنداره و سابقه کار، رابطه منفی (۰/۰۸-) وجود دارد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار نمی باشد، چرا که t محاسبه شده برابر با ۰/۸۶۴- بوده که از t جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۱/۹۶) بزرگتر می باشد. بنابراین فرضیه فرعی ۱ مورد تأیید قرار نمی گیرد. رابطه خالص خودپنداره با سابقه کار ۰/۰۰۶۴ است. بنابراین در حدود ۰/۶ درصد تفاوت های فردی میان نمرات خودپنداره با سابقه کار مشترک بوده است. این رابطه در سطح اطمینان (۰/۰۵ $P \leq$) معنادار است. فرضیه فرعی ۲: بین خودپنداره و میزان تحصیلات کارکنان رابطه وجود دارد. این رابطه در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- رابطه بین خودپنداره و میزان تحصیلات افراد مورد مطالعه

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	رابطه خالص t	سطح معناداری
خودپنداره	میزان تحصیلات	۰/۱۸	۰/۰۳۲	۰/۰۳۲	$P \leq ۰/۰۵$

جدول ۳ نشان می دهد میان خودپنداره و میزان تحصیلات، رابطه مثبت (۰/۱۸) وجود دارد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار می باشد، چرا که t محاسبه

شده برابر با $1/98$ بوده که این میزان از t جدول در سطح اطمینان 95% ($1/96$) بزرگتر است، بنابراین فرضیه 2 تأیید می‌شود. ضریب رابطه خالص خودپنداره با سابقه کار $0/032$ می‌باشد.

فرضیه فرعی 3 : بین خودپنداره و سن کارکنان رابطه وجود دارد. این رابطه در جدول 4 ارائه شده است.

جدول ۴- رابطه بین خودپنداره و سن افراد مورد مطالعه

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	رابطه خالص t	سطح معناداری
خودپنداره	سن	$-0/065$	$0/00422$	$0/00422$	$P \geq 0/05$

جدول 4 نشان می‌دهد میان خودپنداره و سن، رابطه منفی ($-0/065$) وجود دارد. از نظر آماری ($P \leq 0/05$) این رابطه معنادار نیست چرا که t محاسبه شده برابر با $0/7$ بوده که از t جدول در سطح اطمینان 95% ($1/96$) کوچکتر می‌باشد، بنابراین فرضیه فرعی 3 مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. همچنین ضریب رابطه خالص خودپنداره با سن $0/00422$ می‌باشد.

فرضیه فرعی 4 : بین سازگاری اجتماعی و سابقه کار کارکنان رابطه وجود دارد. این رابطه در جدول 5 ارائه شده است.

جدول ۵- رابطه بین سازگاری اجتماعی و سابقه کار افراد مورد مطالعه

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	رابطه خالص t	سطح معناداری
سابقه کار	سازگاری اجتماعی	$0/2259$	$0/051$	$0/051$	$P \geq 0/05$

جدول ۵ نشان می‌دهد میان سازگاری اجتماعی و سابقه کار، رابطه مثبت (۰/۲۲۵۹) وجود دارد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار می‌باشد، چرا که t محاسبه شده برابر با ۲/۴۹۷ بوده که این میزان از t جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۱/۹۶) بزرگتر است، بنابراین فرضیه ۴ تأیید می‌شود.

ضریب رابطه خالص سازگاری اجتماعی با سابقه کار ۰/۰۵۱ می‌باشد. تأثیر رابطه خالص، همان واریانس مشترک است که نشان می‌دهد در حدود ۵ درصد تغییرات دو متغیر سابقه کار و سازگاری اجتماعی مشترک بوده است.

فرضیه فرعی ۵: بین سازگاری اجتماعی و میزان تحصیلات کارکنان رابطه وجود دارد. این رابطه در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶- رابطه بین سازگاری اجتماعی و میزان تحصیلات افراد مورد مطالعه

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجذور ضریب	رابطه خالص	t	سطح معناداری
میزان تحصیلات	سازگاری اجتماعی	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۶۴	۰/۰۶۴	-۰/۹۱	$P \geq ۰/۰۵$

جدول ۶ نشان می‌دهد، میان سازگاری اجتماعی و میزان تحصیلات، رابطه منفی (-۰/۰۰۸) وجود دارد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار نمی‌باشد، چرا که t محاسبه شده برابر با -۰/۹۱ بوده که این میزان از t جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۱/۹۶) کوچکتر می‌باشد، بنابراین فرضیه فرعی ۵ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. همچنین ضریب رابطه خالص سازگاری اجتماعی و میزان تحصیلات ۰/۰۰۶۴ می‌باشد.

فرضیه فرعی ۶: بین سازگاری اجتماعی و سن کارکنان رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷- رابطه بین سازگاری اجتماعی و سن افراد مورد مطالعه

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجذور ضریب	رابطه خالص	t	سطح معناداری
سن	سازگاری اجتماعی	۰/۲۵۸۳	۰/۰۶۶۷	۰/۰۶۶۷	۲/۸۹۷	$P \geq ۰/۰۵$

جدول ۷ نشان می‌دهد، میان سازگاری اجتماعی و سن، رابطه مثبت (۰/۲۵۸۳) وجود دارد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار می‌باشد. چرا که t محاسبه شده برابر با ۲/۸۹۷ بوده که این میزان از t جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۱/۹۶) بزرگتر می‌باشد، بنابراین فرضیه فرعی ۶ مورد تأیید قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد، در سطح اطمینان ۰/۰۵ $P \leq$ مورد تأیید قرار گرفت. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات گوردون و گرین (۱۹۶۸؛ به نقل از گرنی، ۱۹۸۸)، هامچک (۱۹۸۸؛ به نقل از گری، ۱۹۹۴)، پیرجو و پولکی (۱۹۹۱) و ورشورن (۱۹۹۶) مبنی بر وجود رابطه بین خودپنداره افراد و سازگاری اجتماعی آنان همخوانی دارد. همچنین نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش ترقی‌جاء (۱۳۷۵) و دامون و هارت (۱۹۸۲) درباره رابطه مثبت میان خودپنداره و رفتار اجتماعی به‌طور نسبی همسویی دارد. چگونگی نگرش فرد نسبت به تواناییهای خود در زمینه‌های مختلف خانوادگی، اجتماعی و رفتاری نمود می‌یابد.

راجرز (۱۹۵۱) معتقد است افراد براساس تصویری که از خود دارند رفتار می‌کنند (به نقل از پروین^۱، ۱۳۷۴) در واقع سازگاری اجتماعی انسان بازتابی از خودپنداره او تلقی می‌شود. بدون تردید موفقیت بزرگسالان در سازگاری با مسائل مختلف زندگی فردی و اجتماعی تا حدود زیادی متأثر از خود پنداره آنان است

(شعاری نژاد، ۱۳۷۳). کسانی که خودپنداره مثبت دارند توانایی سازگاری اجتماعی بیشتری از خود نشان می دهند. دامون و هارت (۱۹۸۲) معتقدند که درک خود، مفهومی شناختی - اجتماعی است و به موازات رشد اجتماعی و دریافت هنجارهای رفتاری در دوران کودکی آموخته می شود. انسان در تعامل با فرد و اجتماع، به تصویری دست می یابد که در دوران بزرگسالی شکل خودپنداره به خود می گیرد. چنانچه فرد از کل وجود خود تصور مثبتی داشته باشد، در رفتار اجتماعی خود سعی در حفظ آن تصویر می نماید. همچنین در ارتباط دوسویه، دریافت بازخورد مثبت از محیط، باعث تقویت خودپنداره فرد شده، او را به سوی سازگاری اجتماعی بیشتر سوق می دهد. فردی که نسبت به خود و تواناییهای خویش تصور منفی دارد، به اشکال گوناگون این تصورات را در رفتار و اعمال خود منعکس و موجبات طرد خود را از گروه فراهم می کند. بنابراین خودپنداره هسته مرکزی کلیه رفتارهای فردی و اجتماعی است (احمدی، ۱۳۷۶). چنانچه خودپنداره در فرد به صورت مثبت شکل گرفته باشد توانایی سازگاری با موقعیتها و شرایط گوناگون را فراهم می کند و چنانچه به صورت منفی رشد یافته باشد، به همان میزان در سازگاری فرد با موقعیتهای مختلف اختلال ایجاد می کند.

فرضیه فرعی ۱ مبنی بر اینکه بین خودپنداره و سابقه کار کارکنان رابطه وجود دارد، در سطح اطمینان $P \leq 0/05$ مورد تأیید قرار نگرفت.

سابقه کار را می توان برآیندی از افزایش سن افراد در نظر گرفت. خودپنداره فرد بعد از دوران نوجوانی و به خصوص از اوایل سنین بزرگسالی از تغییر و تحولات کمتری برخوردار است و به نوعی تثبیت نسبی می رسد (بیابانگرد، ۱۳۷۲؛ راجرز، ۱۳۷۳؛ کوپر^۱ ۱۹۹۶؛ به نقل از تاپیا^۲ ۱۳۷۹)، بنابراین متغیر سابقه کار رابطه معناداری با خودپنداره ندارد. از سوی دیگر، خودپنداره افراد مورد مطالعه صرفاً تحت تأثیر سابقه کار نبوده، بلکه متغیرهای دیگری از جمله جنسیت (امین یزدی ۱۳۷۳، صادقی ۱۳۷۸، پورکی و نواک ۱۹۹۳)، ویژگیهای روانی و شخصیتی (شفیع آبادی و ولی نوری ۱۳۷۳،

کیامقدم (۱۳۷۸، جان ولی ۱۹۹۳) وضعیت اقتصادی - اجتماعی فرد (نزهت) ^۱، ۱۹۸۴؛ به نقل از ترقی جاه (۱۳۷۵) نیز این رابطه را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

فرضیه فرعی ۲ مبنی بر وجود رابطه معنادار بین خودپنداره و میزان تحصیلات کارکنان در سطح اطمینان ($P \leq 0/05$) مورد تأیید قرار گرفت. این یافته، با یافته‌های گرین و رید ^۲ (۱۹۹۲) چنانچه خودپنداره دانشجویان را به عنوان افرادی با سطح تحصیلات بالاتر، نسبت به کسانی که دانشجوی نیستند در نظر بگیریم، همسویی دارد. تحصیلات یک شاخص مهم در موقعیت فردی و اجتماعی محسوب می‌گردد، بنابراین با افزایش تحصیلات فرد، هم باور و تصور وی نسبت به تواناییهای خود افزایش می‌یابد و هم دامنه ارتباطات اجتماعی وی گسترده‌تر می‌گردد. در واقع میان خودپنداره و تحصیلات، رابطه‌ای دوسویه برقرار است، بدین معنا که خودپنداره مثبت منجر به افزایش تواناییها و پیشرفت تحصیلی می‌شود (ارسطوی ایرانی، ۱۳۷۳) و افزایش سطح تحصیلات نیز باعث تقویت خودپنداره مثبت در فرد می‌گردد. در مشاغل سازمانی افراد دارای تحصیلات بیشتر، سمت‌های سازمانی بالاتری احراز می‌کنند و بدین ترتیب با قرار گرفتن در جایگاه‌های عالی‌تر، باور و تصور فرد از تواناییهای خود نیز به شکل مطلوبی افزایش می‌یابد.

فرضیه فرعی ۳ در ارتباط با اینکه بین خودپنداره و سن کارکنان رابطه وجود دارد در سطح اطمینان ($P \leq 0/05$) مورد تأیید قرار نگرفت. نتایج تحقیق حاضر مبنی بر عدم وجود رابطه میان سن و خودپنداره، با یافته‌های تحقیقات شفیع‌آبادی و ولی‌نوری (۱۳۷۳)، زیگلر ^۳ (۱۹۹۱؛ به نقل از هادی، ۱۳۷۱) و کوپر ^۴ (۱۹۹۳؛ به نقل از تاپیا، ۱۳۷۹) همسویی دارد، ولی با یافته‌های تحقیق دوان و رانی ^۵ (۱۹۸۷؛ به نقل از رضازاده، ۱۳۷۶) همسویی ندارد. عدم رابطه میان سن و خودپنداره در برخی تحقیقات، شاید بازتابی از تثبیت خودپنداره از سنین جوانی به بعد باشد. کوپر (۱۹۹۶؛ به نقل از تاپیا، ۱۳۷۹) بر این باور است که خودپنداره در ۲۴ تا ۵۸ سالگی تثبیت شده و به اوج کمال خود می‌رسد. به نظر می‌رسد همان‌گونه که امین یزدی (۱۳۷۳) و صادقی (۱۳۷۸)

1- Nezherit

2- Green & Reed

3- Zigler

4- Cuper

5- Down & Rany

اشاره کرده‌اند، غالباً میان کودکان، نوجوانان و جوانان مفهوم خود دارای معانی متفاوتی است و با افزایش سن، مفهوم خود انتزاعی‌تر و واقع‌بینانه‌تر می‌شود. بدین ترتیب عدم رابطه میان خودپنداره و سن در این تحقیق و تحقیقات مشابه، شامل افراد بزرگسال بوده که طبعاً دوران تحولات خودپنداره را سپری کرده‌اند.

در عین حال، افراد شرکت‌کننده در این تحقیق، دامنه سنی وسیعی (۲۰ تا بالای ۵۰ سال) را تشکیل داده، بنابراین ممکن است عدم این رابطه تا حدودی متأثر از این مسأله است.

فرضیه فرعی ۴ در ارتباط با اینکه بین سازگاری اجتماعی و سابقه کارکنان رابطه وجود دارد در سطح اطمینان ($P \leq 0/05$) مورد تأیید قرار گرفت. این یافته با نتایج مطالعات شاه‌طالبی (۱۳۷۸)، چنانچه سازگاری اجتماعی را به‌عنوان بخشی از سازوکار سازگاری کلی فرد در نظر بگیریم، به‌طور نسبی همسویی دارد. با افزایش سابقه کار، سازگاری اجتماعی فرد افزایش می‌یابد. این رابطه در قالب چند تبیین احتمالی از جمله سنوات خدمت فرد، میزان تجربیات فردی و اجتماعی وی را در مواجهه با موقعیتها و شرایط متفاوت افزایش داده و این قابلیت انعطاف‌پذیری فرد، سازگاری اجتماعی وی را بالا می‌برد. از طرف دیگر، چنانچه بتوان سازگاری اجتماعی را نمودی از سازگاری فرد با هنجارهای اجتماعی دانست، می‌توان استنباط کرد که با افزایش سابقه کار، میزان آشنایی و تسلط فرد نسبت به هنجارهای رفتاری و نحوه سازگاری با دیگران افزایش می‌یابد.

فرضیه فرعی ۵ نشان داد که بین سازگاری اجتماعی کارکنان و میزان تحصیلات آنان رابطه وجود ندارد. یافته پژوهش حاضر با یافته تحقیق شاه‌طالبی (۱۳۷۸) مبنی بر عدم وجود رابطه میان استفاده از سازوکارهای سازگاری با تحصیلات کارکنان، چنانچه بتوان سازگاری اجتماعی را زیرمجموعه‌ای از سازوکارهای سازگاری کلی فرد دانست، همسویی نسبی دارد، ولی با یافته تحقیق رید (۱۹۹۲) و این‌جرسول (۱۹۹۲) همسویی ندارد. به‌نظر می‌رسد شرکت‌کنندگان در تحقیق حاضر، در حین پاسخگویی به سؤالات به دلیل محافظه‌کاری خواسته یا ناخواسته صادقانه پاسخ نداده‌اند. پراکندگی و تنوع سطوح تحصیلی گروه مورد مطالعه (از زیردیپلم تا فوق‌لیسانس) نیز ممکن است علت

عدم وجود رابطه میان سازگاری اجتماعی و میزان تحصیلات کارکنان باشد. در عین حال میزان سازگاری آزمودنی‌های این تحقیق صرفاً تحت تأثیر تحصیلات آنان نبوده، بلکه متغیرهای احتمالی نظیر: وضعیت اجتماعی - اقتصادی فرد (حق شناس، ۱۳۷۳)، هوش (کریمی، ۱۳۷۲) و جنسیت (حق شناس، ۱۳۷۳) افراد نیز این رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه فرعی ۶ در خصوص اینکه بین سازگاری اجتماعی و سن کارکنان رابطه وجود دارد، در سطح اطمینان ($P \leq 0/05$) مورد تأیید قرار گرفت. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش عبدی‌فر (۱۳۷۴) همسویی دارد. همچنین این یافته را می‌توان بر پایه دیدگاه یادگیری اجتماعی مورد تبیین قرار داد. بر پایه این دیدگاه به همراه افزایش سن، فرد از طریق یادگیری و مشاهده الگوهای رفتاری متعددی را فرامی‌گیرد و به تدریج خزانه الگوهای رفتاری وی گسترش بیشتری پیدا خواهد کرد. این گستردگی به همراه افزایش کمی و کیفی تعاملات اجتماعی فرد، شناخت بهتر و بیشتری از رفتارهای منطبق با هنجارهای اجتماعی را برای وی امکان‌پذیر می‌سازد، به عبارت دیگر فرد با مشاهده الگوها و معیارهای رفتاری جامعه‌پسند و نیز بازخورد مثبت این‌گونه رفتارها، به نوعی خودگردانی^۱ در رفتار خویش دست می‌یابد.

بنابراین این مسأله در نهایت منجر به بروز رفتارهای سازگارانه‌تر در فرد می‌شود. بر این اساس می‌توان اذعان داشت که با بالا رفتن سن، افراد از تجربه بیشتری در زمینه نحوه رفتار در موقعیتهای مختلف اجتماعی برخوردار شده و آشنایی عمیق‌تری با معیارها و هنجارهای اجتماعی کسب می‌کنند. همین امر باعث می‌شود قابلیت انعطاف‌پذیری و سازگاری اجتماعی از خود نشان دهند.

پیشنهادها

- براساس یافته‌های این پژوهش، لازم است برای کارکنانی که از خودپنداره پایینی برخوردارند، دوره‌های آموزش روان‌شناسی در نظر گرفت تا نسبت به ضعف و قوت‌های خود و چگونگی ارتقای خودپنداره اطلاعاتی کسب کنند و موجبات سازگاری

بیشتر آنان فراهم شود. پیشنهاد می‌شود با تهیه بروشورها و مقالات علمی به زبان ساده و تدارک برنامه‌های سخنرانی توسط متخصصان روان‌شناسی و مشاوره، اطلاعات کافی در این زمینه به آن دسته از افرادی که نمرات پایینی کسب کرده‌اند ارائه گردد.

- از آنجا که بر اساس اطلاعات حاصل، میان افزایش تحصیلات و خودپنداره بالا رابطه مثبت و معناداری وجود داشت لازم است، تسهیلات و امکانات لازم برای ادامه تحصیل کارکنانی که از سطح پایینی از خودپنداره برخوردارند فراهم شود.

- با توجه به تأیید رابطه میان سازگاری اجتماعی و سابقه کار و سن که مورد تأیید قرار گرفت پیشنهاد می‌شود کارکنانی که از سنوات خدمت و سن بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند، به‌عنوان الگوهای موفق تجارب خود را در نشست‌های گروهی در اختیار همکاران خود قرار دهند تا موجبات افزایش کمی و کیفی تعاملات بین فردی و سازگاری اجتماعی فراهم شود.

- به پژوهشگران علاقه‌مند پیشنهاد می‌شود رابطه میان خودپنداره را با ابعاد گوناگون شغلی نظیر: رضایت شغلی، نحوه ارتباطات سازمانی، انگیزش پیشرفت، خلاقیت و نوآوری شغلی مورد بررسی و تحقیق قرار دهند.

منابع

- احمدی، خ. (۱۳۷۶)، خودشناسی در روان‌شناسی، تهران، انتشارات مکیال.
- ارسطوی ایرانی، ه (۱۳۷۲)، بررسی ارتباط خودپنداری با جنسیت و پیشرفت تحصیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی (چاپ نشده)، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- امین‌یزدی، الف. (۱۳۷۳)، بررسی محتوای خود نزد پسران و دختران در آغاز و پایان نوجوانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته راهنمایی و مشاوره (چاپ نشده)، تهران، دانشگاه تهران.
- بیابانگرد، الف. (۱۳۷۳)، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

پروین ال. ای. روان‌شناسی شخصیت، ترجمه محمدجعفر مصفا و پروین کدیور، (۱۳۷۳)، ج اول، تهران، انتشارات رسا.

تاپیا، ک. درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه مرتضی کتبی، (۱۳۷۹)، تهران، نشر نی.
تقی‌زاده، م. الف. (۱۳۷۵)، میزان هماهنگی نگرشهای تربیتی والدین به فرزندان پسر و ارتباط آن با خودپنداری نوجوانان پسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش (چاپ نشده)، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

حق‌شناس، م. الف. (۱۳۷۳)، بررسی نقش اردوهای تربیتی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه استان مرکزی، تهران، وزارت آموزش و پرورش.

راجرز، دی. روان‌شناسی کودک، ترجمه غلامعلی سرمد، (۱۳۷۳)، تهران، انتشارات آوای نور.
راس، ای. روان‌شناسی شخصیت نظریه‌ها و فرایندها، ترجمه سیاوش جمالفر، (۱۳۷۵)، تهران، نشر روان.

رضازاده، ح. ر. (۱۳۷۶)، درآمدی بر روان‌شناسی خود، تهران، نشر آینه.

شاه‌طالبی، ب. (۱۳۷۸)، بررسی مکانیسم‌های سازگاری دبیران دبیرستانهای شهر اصفهان با محیط واحدهای آموزش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی (چاپ نشده)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، دانشکده تحصیلات تکمیلی.

شعاری‌نژاد، ع. الف. (۱۳۷۳)، روان‌شناسی رشد بزرگسالان در فراخوانی زندگی، تهران، انتشارات پیام آزادی.

شفیع‌آبادی، ع و الف ولی‌نوری. (۱۳۷۳)، «رابطه بین احساس بیگانگی و خودپنداری»، فصلنامه پژوهشهای روان‌شناختی، سال سوم، شماره ۱ و ۲.

صادقی، ن. (۱۳۷۸)، «توصیف خود، پژوهشی مقایسه‌ای بر مبنای سن و جنس»، فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال چهارم، شماره ۱.

عبدی‌فر، س. (۱۳۷۴)، بررسی رابطه حمایت اجتماعی و منبع کنترل درونی با سازگاری در دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی (چاپ شده)، تهران، دانشگاه تربیت معلم.

کیامقدم، م. (۱۳۷۸)، بررسی رابطه بین افسردگی و خودپنداره گروهی از دانش‌آموزان دختر و پسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته راهنمایی و مشاوره (چاپ نشده)، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

ماسن، پ، ه ج. کیگان، آ. سی. هوستون و ج. ج. کانجر. رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، (۱۳۷۰)، تهران، نشر مرکز.

نوابی نژاد، ش. (۱۳۷۰)، رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راههای پیشگیری و درمان ناهنجاریها، تهران، انتشارات ابتکار هنر.

هادی، ع. (۱۳۷۶)، بررسی تأثیر آموزش شناختی بر خودپنداره دختران ۱۷ - ۱۴ ساله شهرستان تجف آباد، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی عمومی (چاپ نشده)، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خوراسگان، دانشکده تحصیلات تکمیلی.

DAMON, W, & HART, D. (1982). The Development of self: Understanding from Infancy through Adolescence, "Journal of Child Development", Vol: 53 PP: 849-846.

GOREY, G (1994). "Theory and Practice of Group Counseling" The Edns California: Brook/ Cole.

GREEN. A.L, & REED, E. (1995). Social content differences in the Relation Between self-esteem. "Journal of Adolescent Research", Vol(2) PP. 226-282.

GURNEY, P.W. (1988). "Self-Esteem in Children with Special Educational Needs" London: Routledge Inc.

INGERSOLL, K.S. (1992). "Social Adjustment of Family early College Enterance (Woman Student)". University of California Press.

JOHN, D. W, & LEE, H. B (1993). Dimentions of self Esteem and Psychological Symptoms Among Chines Adolescents in Hong Komg, "Journal of Youth and Adolescence". Vol: 22(4), PP: 425-440.

PIRGO, E. & POLKKI, F.G. (1991), Self-Concept and social Skills of School Beginners, Publisher of University of Calipornia.

PURKEY, W.W. & NOVAK, J.M. (1996). "Inviting School Succes: A Self-Concept Approach to teaching and Democratic Practice", (Third, Edardedn). Belmont, CA: Wadsworth Publishing.

READ, D.A (1992). The Internal Working Model of Self, Attachment, and Competence in five Years-old, "Journal of Child Development", Vol: 61, PP: 2493-2511.

ROGRS, C. (1980). *Way of being*, Boston: Houghton Mifflin.

VERSCHUREN, K. (1996). The Internal Working Model of self, Attachment, and Competence in Hiveryeat-old, *Journal of Child Development*, Vol 67, P: 2493-2511.

وصول: ۸۲/۴/۱۵

پذیرش: ۸۲/۶/۱۸



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی